

# واکنش سیستم آموزشی در برخورد با دو اتفاق

## غزل لطفی

بانیان آموزش کشور هم در حفظ سلامت و هم در پرورش و تربیت، مردود شده‌اند

ماجرای اخراج معلم مازندرانی و مسمومیت دانش‌آموزان قمی، در روزهای گذشته در صدر مباحث آموزشی کشور بوده‌اند و به عقیده بنده وزارت آموزش و پرورش در مدیریت هیچ کدام کارنامه موفقیت نداشته است که در ادامه دلایلی را مطرح خواهم کرد.

۱- مسمومیت دانش‌آموزان قمی: اگر اخبار را در این اتفاق دنبال کنیم؛ وزارت آموزش و پرورش از ابتدای وقوع حادثه درصدد بود تا موضوع را کم‌اهمیت، اضطراب و ترس دانش‌آموزان و اولیا و بازی رسانه‌ای معرفی کند. در حالی که اگر از ابتدا با شفافیت اعلام می‌کردند که مسمومیت حتی یک دانش‌آموز بسیار مهم است و در کنار پدران و مادران و فرزندان آسیب‌دیده ایستاده بودند حتما جوی آرام‌تر پدید می‌آمد و پروسه علت‌یابی هم زودتر شروع شده و به نتیجه می‌رسید، اما متولیان آموزش کشور راه تکذیب اهمیت این ماجرا را آنقدر ادامه دادند که رشته کار از دستشان خارج شد و جامعه شروع به گمانه‌زنی کرد. دست آخر هم وزیر آموزش و پرورش پس از بارها با اعلام اینکه موضوع مهمی رخ نداده، مجبور شد نهایتاً در ملاقات با دانش‌آموزان آسیب‌دیده از پیشامد این اتفاق عذرخواهی کند و خبر از فعالیت کمیته علت‌یاب داد. در این موضوع علاوه بر اینکه سلامت فرزندان ایران در ابتدا کم‌اهمیت جلوه داده شد - که این خود چالشی بزرگ برای بزرگ‌ترین سیستمی است که ما باید با اطمینان کامل کودکان خود را به او بسپاریم - نحوه برخورد با این رخداد هم به فرزندان ما که باید آموزش‌پذیر این سیستم باشند، این پیام را می‌دهد که در مواجهه با دشواری‌ها راه انکار و تکذیب و کم‌اهمیت جلوه دادن موضوعات را دنبال کنند!!! که در هر دو مبحث حفظ سلامت و پرورش و تربیت، بانیان آموزش کشور مردود شده‌اند، چون شفافیت، علت‌یابی و راه‌حل پیدا کردن برای آنها در درجه اول اهمیت نبود که اگر بود در دو ماه گذشته به جای فرافکنی، علل حادثه اعلام شده

بود.

۲- اخراج معلم قائمشهری: در مبحث اخراج معلم مازندرانی اما برخورد سریع بود، سرعتی که اجازه هر گونه تفکر به عواقب این تصمیم را می‌گرفت.

ابتدا اخراج معلم و احتمال تعطیلی واحد آموزشی اعلام شد و پس از آنکه واکنش اجتماعی دیده شد خبر از تشکیل شورای آموزش و تصمیم‌گیری متعاقب آن را دادند و در نهایت هم با واکنش‌های بیشتر (اعلام آمادگی استخدام معلم اخراجی توسط باشگاه نساجی مازندران و پادرمیانی نماینده مجلس خبرگان) مقوله اخراج از دستور کار خارج شد. در حالی که از همان ابتدا باید به جای برخورد قهری، به بررسی کامل موضوع پرداخته شود و نیازی هم به واکنش سریع نبود. حتی اگر جمع‌بندی نهایی هم اخراج بود بهتر است مستدل باشد تا برای واکنش‌های جامعه نیز پاسخ وجود داشته باشد! نه اینکه ابتدا سخت‌ترین تنبیه که اخراج است را مطرح کنید و پس از آن قدم به قدم عقب بنشینید.

در هر دو ماجرا آنچه مشهود است، تصمیماتی است که بدون تفکر و آینده‌نگری گرفته می‌شود و ما شاهد بسیاری از این دست تصمیمات در آموزشوپرورش در همین اواخر هم بوده‌ایم. نظیر آن اعلام صریح وزیر آموزشوپرورش که دیگر تعطیلی مدارس را نخواهیم داشت و برای آلودگی هوا هم راهکار تغییر شاخه‌ها ارائه شد! در واقع وقتی تصمیمی بدون فکر گرفته می‌شود، آنجا که لازم است سریع ورود شود، تعلل صورت می‌گیرد و جایی که نیاز به تامل بیشتر است واکنش‌های سریع دیده می‌شود که هر دو موضوع مختل اتخاذ تصمیم صحیح است. از سیستم آموزشی کشور که وظیفه تعلیم و تربیت آینده‌سازان میهن عزیز ما را بر عهده دارد، انتظار می‌رود در مواجهه با چالش‌ها بسیار پخته‌تر و با نگاهی آینده‌نگر و مستند برخورد کند تا تصمیماتش هم درسی تربیتی برای فرزندان ایران باشد.